

استقبال از ۳ ملوان جان باختہ سانچی



پی‌کسر سه نفر از جان باختگان حادثهٔ نفتکش ایرانی صبح دیروز وارد پایتخت ش‌شد. مراسم استقبال از پیکرهای میلاد آ‌روی، مجید نقیان و محمد کاووسی تکاب، صبح دیروز در فرودگاه امام خمینی بر گزار شد و آنگونه که اعلام شده قرار است که پیکرها پس از برگزاری مراسم نماز جمعه در تهران تشییع شوند. تلاش‌های امدادگران برای کشف اجساد ۲۷ ملوان دیگر ایرانی که ۱۶دی‌ماه در تصادف با کشتی‌بازی چین در آب‌های شرق چین میان آتش سوختند ناکام مانده و پرونده حادثه در دادرسی‌ امور جنایی تهران در حال بررسی است.

سیروس کیان ا‌رنی،مدیرعامل شرکت ملی نفتکش در حاشیه مراسم استقبال از پیکرهای ملوانان به خبرنگاران گفت: پیگیری‌ها و تجسس‌ها برای یافتن شهدای باقی مانده از داخل نفتکش در عمق ۱۵ متری در حال انجام است و در صورت پایداری شرایط آب و هوایی عملیات تجسس پیگیری خواهد شد. وی با بیان اینکه شرایط آ‌لایندگی و زیست محیطی محل غرق شدن سانچی شرایط ویژه‌ای است و وضعیت آب و هوا به گونه‌ای است که تجسس را با سختی رو به رو کرده است، گفت: غواص‌هایی از این شرایط به سمت کشتی حرکت می‌کنند و حتی تاکنون توانسته‌اند بخش‌هایی از مخازن سوخت کشتی را که نشست می‌کرد، مهار کنند. بااین حال این عملیات کار زمانبری است و غواص‌ها با توجه به عمق زیاد محل غرق شدن مدت کوتاهی می‌توانند زیر آب بمانند و پس از خارج شدن از آب ۲۸ ساعت در کپسول‌های ویژه‌ای که شرایط فشار بدن آنها را به وضعیت نرمال برمی‌گرداند، استراحت می‌کنند و دوباره پس از آن تجسس از سر گرفته می‌شود.

مدیرعامل شرکت ملی نفتکش اظهار داشت: به دلیل شدت انفجار شکل ظاهری کشتی تغییر شکل یافته که ورود به آن را سخت کرده است. بااین حال گروه غواصی تا نالشدن تا اتاقک‌ها و کابین‌های سانچی را بررسی کنند تا ببینند آیا پیکر خدمه در این اتاقک‌ها هست یا خیر.

وی درباره وضعیت بررسی اطلاعات سانحه نیز تصریح کرد: هم شرکت‌های بیمه گر دو کشتی ایرانی سانچی و چینی کریستال در حال بررسی سانحه هستند و هم چهار کشور ذی‌نفع این قضیه بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که امضا کرده‌اند در حال رمزگشایی جعبه سیاه هستند.

کیان ا‌رنی در خصوص تعیین مقصر این سانحه گفت: در حال حاضر امکان پیش د‌وری وجود ندارد و تا زمانی که اطلاعات جعبه سیاه رمزگشایی نشود نمی‌توان مقصر را تعیین کرد. مشاوران بین‌المللی نیز در حال بررسی سانحه هستند و به محض اعلام نتایج اطلاع‌رسانی خواهد شد.

به گفته کیان ا‌رنی جعبه سیاه هر دو کشتی در اختیار چهار کشور ذی‌نفع است و از ایران نیز سازمان بنادر و دریانوردی این دو جعبه سیاه را در اختیار دارد. همچنین با پرسنل کشتی کریستال مصاحبه شده که در نهایت با اطلاعات به دست آمده از جعبه سیاه جمع‌بندی شده و به صورت بسته اطلاعاتی مجدداً بررسی خواهد شد. زمان اعلام نتایج نیز در اختیار سازمان بنادر و دریانوردی است.

مدیرعامل شرکت ملی نفتکش در خصوص رسیدگی به خانواده شهدای سانچی تصریح کرد: شرکت نفتکش تمام تلاش خود را خواهد کرد تا خانواده‌های شهدا به حق و حقوق بین‌المللی خود دست یابند همچنین بیمه حوادث این شهدا هنوز به خانواده‌ها پرداخت نشده است و هر گاه مسائل بین‌المللی مشخص شود وضعیت بیمه آنها نیز تعیین خواهد شد. ضمن آنکه در حال حاضر تمام هزینه‌های مربوط به انجام آ‌زمایش‌های دی‌ان‌ای و انتقال پیکر این سه شهید به کشور توسط شرکت بیمه‌گر پرداخت شده است.

کشف محموله تر باک میان بار خیاب

فرمانده انتظامی استان از دستگیری دو قاچاقچی مواد مخدر و کشف ۱۴۰ کیلوگرم تر باک در پوشش کار تن‌های خیاب خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سردار عباسعلی محمدیان گفت: در تحقیقات انجام شده از اس‌وی مأموران پلیس مشخص شد فردی قرار است مقداری مواد مخدر را که از مرزهای جنوبی وارد کرده در استان البرز توزیع کند، شناسایی و پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران مبارزه با مواد مخدر استان قرار گرفت.

وی افزود: بلافاصله دو اکیپ از مأموران عملیات ویژه به محورهای مواصلاتی البرز اعزام شدند و کامیون مورد نظر را شناسایی و توقیف کردند.

سردار محمدیان بیان داشت: در بازرسی از خودرو ۱۴۰ کیلوگرم تر باک در ۳۱ بسته که در کارتن‌های حاوی خیاب جاسازی شده بود، کشف شد.

فرمانده انتظامی استان با اشاره به دستگیری دو قاچاقچی در این مأموریت خاطر نشان کرد: متهمان به همراه مواد مکشوفه به مراجع قضایی معرفی شدند.

هفت مردی که در جریان حادثه‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند با تلاش‌های تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران از اولیای دم مهلت گرفتند و به سلول‌هایشان بازگشتند.
به گزارش خبرنگار ما، بامداد چهارشنبه ۲۵بهمن‌ماه هفت‌متهم به قتل که در حادثه‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند در زندان رجایی‌شهر کرج پای‌چوبه‌دار رفتند. در حالی که طناب‌دار به گردن محکومان افتاده‌بود قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران همراه تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تلاش‌های خود را برای جلب رضایت از اولیای‌دم‌ها آغاز کردند. در نهایت تلاش‌های تیم صلح و سازش نتیجه داد و اولیای‌دم مقتولان به هفت‌متهم که قرار بود تا لحظاتی با اجرا شدن حکم قصاص‌شان پرونده‌شان برای همیشه بسته شود با گذاشتن شرایطی مهلت دادند. بدین ترتیب محکومان به قصاص از طناب دار فاصله گرفتند و به سلول‌هایشان بازگشتند.

■ **قاتل پسر باجناق مهلت ۳ ماهه گرفت**

نخستین متهمی که موفق به گرفتن مهلت سه‌ماهه از اولیای‌دم شد مرد ۵۰ساله‌ای به نام صفدر است که هشت‌سال قبل در درگیری پسر باجناقش را به قتل رساند. روز ۲۶مهرماه سال ۱۳۸۸ بود که مأموران پلیس بخش بهارستان در شهرستان شهریار از درگیری خونینی با خیر و راهی محل شدند.

بررسی‌ها نشان داد مرد ۴۲ساله‌ای به نام صفدر در درگیری با چاقو به سوی باجناق و پسر ۱۹ساله او حمله کرده و پس از به قتل رساندن پسر جوان و زخمی کردن باجناقش از محل گریخته است.

پدر مقتول به مأموران گفت: مدتی قبل باجناقم همسرش را طلاق داد. روز حادثه پسر هم‌راه خاله و مادرش برای بردن اثاثیه خاله‌اش راهی خانه باجناقم شدند. وقتی فهمیدم من هم همراه آنها شدم.

ما در حال انتقال اثاثیه به داخل خودرو بودیم که باجناقم همراه برادرش از راه رسیدند. صفدر با دیدن ما چاقوی بزرگی برداشت و به طرف ما حمله کرد. او پسرمر را به قتل رساند و مرا به شدت زخمی کرد و بعد با برادرش از محل گریختند.

مأموران چند روز پس از حادثه متهم را دستگیر کردند. قاتل در بازجویی‌ها اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد. اولیای‌دم در جلسه دادگاه برای متهم درخواست قصاص دادند و هیئت قضایی هم قاتل را به قصاص محکوم کرد.

پس از تأیید حکم قصاص متهم در شعبه ۱۵دیوان عالی کشور پرونده وی برای اجرای حکم به دادسرای امور جنایی فرستاده شد. سحرگاه دیروز متهم پای‌چوبه دار حاضر شد، اما با تلاش هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران موفق به گرفتن مهلت سه‌ماهه از اولیای‌دم شد.

■ **قتل به خاطر رابطه عاشقانه**

دومین متهمی که پای‌چوبه دار از اولیای‌دم مهلت گرفت مردی است که ۱۰سال قبل پسر مورد علاقه خواهرش را به خاطر رابطه عاشقانه با خواهرش به قتل رسانده بود.

هفدهم فروردین سال ۱۳۸۶ خانواده‌ای به مأموران پلیس تهران اعلام کردند پسر ۲۰ساله‌شان به نام حمید به طور ناگهانی ناپدید شده است.

پس از طرح این شکایت مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای پیدا کردن پسر گم شده آغاز کردند، اما هیچ‌ری از وی نیافتند. بررسی‌ها تخصصی مأموران نشان داد حمید مدتی است با دختر جوانی به نام شهلا رابطه عاشقانه دارد. بدین ترتیب مأموران تحقیقات خود را از خانواده شهلا آغاز کردند.

شهلا در بازجویی‌ها گفت قرار بوده با حمید ازدواج کند و او را دوست داشته و الان هم از سرنوشت او بی‌خبر است. مأموران در تحقیقات بعدی فهمیدند که حمید روز حادثه با برادر شهلا به نام ارسلان قرار ملاقات داشته

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

۷ محکوم به قصاص از چوبه‌دار فاصله گرفتند



است. بنابراین ارسلان به عنوان مظنون حادثه بازداشت

شد. متهم ابتدا از سرنوشت حمید اظهار بی‌اطلاعی کرد، اما در بازجویی‌های فنی به قتل وی اعتراف کرد. متهم گفت: وقتی فهمیدم حمید با خواهرم رابطه عاشقانه دارد تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم اما در درگیری که داشتیم او به قتل رسید و الان هم پشیمان هستم. متهم پس از تکمیل تحقیقات در دادگاه کیفری محاکمه و به قصاص محکوم شد.

سحرگاه چهارشنبه متهم در زندان رجایی‌شهر پای‌چوبه دار حاضر شد اما با تلاش هیئت صلح و سازش دادسرای جنایی از اولیای‌دم مهلت گرفت.

■ **قتل بدون انگیزه**

سومین محکوم به قصاص که از اولیای دم مهلت گرفت پسر ۲۳ساله‌ای به نام کامیار است که پنج‌سال قبل در نزاع دسته‌جمعی بدون هیچ‌گونه انگیزه‌ای پسر ۲۱ساله‌ای به نام بهرام را به قتل رساند.

روز ۲۲تیرماه سال ۹۱ مأموران پلیس صالح‌آباد تهران از نزاع خونینی با خیر و راهی محل شدند.

بررسی‌ها نشان داد در این درگیری دسته‌جمعی پسر ۱۸ساله‌ای به نام کامیار با پرتاب چاقو پسر ۲۱ساله‌ای به نام بهرام را به قتل رسانده‌است.

متهم پس از دستگیری با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و گفت که برای قتل هیچ انگیزی نداشته و به صورت

اتفاقی این حادثه رخ داده‌است.

متهم که با درخواست اولیای‌دم از سوی هیئت قضایی به قصاص محکوم شده بود سحرگاه روز چهارشنبه برای اجرای حکم پای‌چوبه دار حاضر شد. در حالی که طناب دار به گردن وی آویخته شده بود اولیای‌دم با گذاشتن شرایطی به قاتل مهلت دادند.

چهارمین قاتل هم حسام نام دارد. متهم در تاریخ ۱۱۳آبان‌ماه ۸۷ هنگام سرقت در شهرستان شهریار مردی به نام ایوب را به قتل رساند و از محل گریخت. وی پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد. متهم سحرگاه چهارشنبه پای‌چوبه دار حاضر شد، اما با تلاش تیم صلح و سازش موفق به گرفتن مهلت از اولیای‌دم شد.

قاتل دیگری که سحرگاه چهارشنبه از اولیای‌دم مهلت گرفت ستار نام دارد. وی در بیست‌و‌پنجم دی سال ۱۳۹۱ در درگیری مردی را به قتل رساند.

ششمین قاتل هم مردی به نام فریبرز است که در هفتم آبان سال ۹۲ همسرش را در شهرستان شهریار به قتل رساند. متهم پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد و مدعی شد به خاطر اختلاف خانوادگی همسرش را به قتل رسانده است.

آخرین محکوم به قصاص هم پیمان نام دارد. این متهم هفتم بهمن سال ۹۲ در درگیری مرتکب قتل مردی به نام سعید شد.

پسر نوجوان به پرداخت دیه و مجازات حبس محکوم شد

آزاد بود خواست در جایگاه حاضر شود. او که پنج فقره سابقه در پرونده‌اش داشت، گفت: «ساسان از بچه‌های محل بود. او قبل از حادثه با من تماس گرفت و ماجرا را تعریف کرد. ساسان خواست همراهش با منم آ‌م قبول نکردم. او دوباره تماس گرفت و به خاطر اصرارهایش قرار شد آن روز همراهش بروم.» متهم در ادامه گفت: «آن روز وقتی ساسان را با موتور به محل قرار رساندم او از موتور پیاده شد و من آنکه زیر ۱۸سال داشت روانه کانون شد و فرزین نیز به اتهام شرکت در نزاع دسته‌جمعی روانه زندان شد. پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه محاکمه به ریاست قاضی عبداللهی پدر مقتول که به اتهام خرید و فروش مواد مخدر در زندان بود به دادگاه اعزام شد و برای متهم درخواست قصاص کرد. سپس ساسان در جایگاه ایستاد و بعد از شرح ماجرا در آخرین دفاعش گفت: «همه اختلاف من و مقتول به خاطر پیام در فضای مجازی بود. روز حادثه هم قرار گذاشته بودیم با هم صحبت کنیم، اما مقتول و دوستش وقتی مرا دیدند به من حمله کردند به همین دلیل چاره‌ای جز دفاع نداشتم. باور کنید اصلاً قصد درگیری و قتل نداشتم. حالا هم از اولیای‌دم و هیئت قضایی تقاضای بخشش دارم.» در ادامه ریاست دادگاه از فرزین که با قرار وثیقه

پسر ۵ساله که در جریان دعوا بر سر دوستی با یک دختر مرتکب قتل شده بود به حبس و پرداخت دیه محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، سوم آبان‌ماه سال ۹۵مأموران پلیس ورامین از قتل پسر نوجوانی در جریان درگیری با دوستش باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به فرامرز ۱۷ساله بود که بر اثر ضربه چاقو به گردنش کشته شده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران در تحقیقات دریافتند عامل قتل پسرری ۵ساله به نام ساسان است که بعد از ارتکاب جرم از محل گریخته است. به این ترتیب ساسان چند روز بعد از حادثه شناسایی و دستگیر شد. او در بازجویی‌ها با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «مدتی قبل از حادثه با دختری در فضای مجازی آشنا شده بودم و همین دلیل چند بار برای او پیام فرستادم. این موضوع باعث ناراحتی فرامرز شده بود. مدتی گذشت و فکر می‌کردم فرامرز این موضوع را فراموش کرده تا اینکه بار دیگر پیام انتقادی او را دیدم به همین خاطر با هم قرار گذاشتیم تا در این مورد صحبت کنیم».

روزگزارش شکری قانونی که اعلام کرده بود، او هنگام ارتکاب جرم ماهیت آن را درک نمی‌کرده است و طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی از قصاص معاف و به پرداخت دیه و پنج سال نگهداری در کانون محکوم کرد. همچنین فرزین نیز به چهار سال حبس محکوم شد.

این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و از سوی قضات شعبه ۱۹دیوان تأیید شد.

پسر بچه بیمار لباس پلیس به تن کرد



پسر بچه ۹ساله که از بیماری تالاسمی رنج می‌برد با تلاش فرمانده انتظامی چابهار لباس پلیس به تن کرد و به آ‌زرویش رسید. سرهنگ حیدر علی کیخا مقدم، فرمانده انتظامی شهرستان چابهار گفت: امیر روحی، پسر بچه ۹ساله که از مدتی قبل به بیماری تالاسمی مبتلا شده، بزرگ‌ترین آ‌زرویش پوشیدن لباس پلیس بود که به آ‌زرویش رسید. او صبح دیروز با حضور در پلیس راهور با پوشیدن لباس راهور از نبروهای مستقر در میدان سان دید و سپس وانشتن در ماشین پلیس و حضور در جمع کارکنان ابراز خوشحالی کرد. در پایان مراسم، لوح همیار پلیس و هدایایی به او اهدا شد.

صحنه‌سازی برای فراد از قتل همسر

مردی که در شهرستان لرندگان با صحنه‌سازی درباره مرگ همسرش قصد فریب پلیس را داشت، بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. روز گذشته مأموران پلیس لرگان خبر رسید که زن جوانی به علت برق‌گرفتگی جانش را از دست داده است. با حضور مأموران پلیس مشخص شد که زن ۴۰ساله در حالی که سیم‌برق به بدن او وصل شده‌بود جانش را از دست داده است. شوهر او که در محل حاضر و اولین کسی بود که در این باره تحقیق شد، گفت: لحظاتی قبل وقتی وارد خانه و متوجه‌شدم که همسرم دچار برق‌گرفتگی شده و فوت شده است برای همین به پلیس خبر دادم. بعد از ثبت حرف‌های شوهر زن فوت شده مأموران پلیس در تن‌پیمایی متوجه خراشیدگی و کیودی در گردن زن ۴۰ساله شدند و احتمال دادند که وی در جریان حادثه‌ای مرزوب به مرگ رفته باشد. برای همین شوهر وی را به عنوان مظنون به قتل بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها اما اتهام قتل را انکار کرد، اما در تحقیقات فنی به جرمش اعتراف کرد و گفت: از مدتی قبل با همسرم اختلاف داشتم و بارها با هم مشاجره کرده بودیم. امروز وقتی بچه‌ها به مدرسه رفتند سر همان موضوع با هم مشاجره کردم و من کنترل‌م را از دست دادم و او را با روسری خفه کردم. بعد از آن یک سیم‌برق را به بدن او وصل کردم تا با صحنه‌سازی حادثه را برق گرفتگی جلوه‌دهم که گرفتار شدم. سرهنگ خسرو نجفی، فرمانده انتظامی لرندگان گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در جریان است.

زندگی بر باد رفته

به خاطر هیچ

بر اساس یک پرونده واقعی

خیلی وقت‌ها یک اشتباه ساده منجر به بروز یک فاجعه می‌شود. یک نفر به قتل می‌رسد و فرد دیگر هم به اتهام قتل بازداشت و بعد از محاکمه قصاص می‌شود و چند خانواده در این بین متلاشی می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایلی که منجر به بروز این حوادث می‌شود عدم تمکین شهروندان از قانون است. این دسته از شهروندان وقتی در موقعیتی خطرناک قرار می‌گیرند به جای اینکه خشم خود را فروریزده و از ماجرای پیش آمده چشم‌پوشی کنند، با دست به تلفن برده و از پلیس ۱۱۰ در خواست کمک کنند. خودشان اقدام کرده و سرانجام آن‌چه که نباید پیش آید اتفاق می‌افتد. یکی از پرونده‌هایی که ششم آبان‌ماه سال ۹۲ تشکیل شد، وقوع قتل بر سر دستشویی کردن بود. ماجرا در پارک اقلایی تهران اتفاق افتاد و خیلی زود خبر ساز شد. عصر روز حادثه سهراب با دوستانش مشغول بازی والیبال در پارک بود. در میانه بازی او برای دستشویی کردن جمع دوستانش را ترک کرد و به طرف سرویس بهداشتی پارک رفت، اما در دستشویی بسته بود. سهراب که احساس کرد نمی‌تواند خودش را کنترل کند از کنار چند نفر که آن جاسبات کرده بودند گذشت تا وارد خرابه‌ای در کنار پارک شود. یکی از آن چند نفر که ایمان نام داشت متوجه نیت سهراب شد و خودش را به او رساند و در حالی که چاقویی به دست داشت به رفتار او اعتراضی کرد و گفت اجازه نداد در حضور او دستشویی کند. اعتراض ایمان خشم سهراب را به همراه داشت و این دو نفر مشغول مشاجره با هم شدند. بعد از آن دوستان ایمان هم به هواداریش به او ملحق شدند. سهراب خودش از دوستش که مشغول بازی والیبال بودند درخواست کمک کند، اما فاصله آنها زیاد بود. او که کنترل خودش را از دست داده بود برای یک لحظه توانست چاقو را از دست ایمان خارج کرده و ضربه‌ای به ایمان بزند و از محل فرار کند. سهراب خیلی زود خودش را به خانه‌اش رساند، وسایلش را جمع کرد و برای مدتی در خانه دخترانش پنهان شد. او با دوستانش تماس گرفت تا جوابی حال ایمان شود. ترس سهراب زمانی بیشتر شد که متوجه شد ایمان به علت شدت جراحت در بیمارستان فوت شده است. با مرگ ایمان پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شده و مأموران پلیس به دستور باز پرس در جست‌وجوی سهراب بودند تا اینکه او یک‌ماه بعد خودش را تسلیم پلیس کرد. سهراب در جریان بازجویی‌ها به پلیس وقفات رسیدگی کرد. سهراب به پرونده گفت که انگیزه‌ای برای قتل نداشته است و اگر ایمان مانع او نمی‌شد این حادثه هم اتفاق نمی‌افتاد. دفاعات سهراب اما راه نجاتی برای او نداشت، چراکه سهراب مرتکب قتل شده‌بود و باید تقاص این اشتباهش را می‌پرداخت.

او با رأی قضات دادگاه به مرگ محکوم شد و پرونده او بعد از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای بلور جنایی فرستاده‌شد. سهراب در حالی که در یک قفسی در مرگ قرار داشت با پرداخت دیه ۰۰هلیون تومانی موفق شد که از مجازات قصاص فاصله گرفته و با احتساب اقام بازداشت از زندان آزاد شود. سهراب به دلیل اینکه مهارت لازم برای مدیریت ماجرا را نداشت، موفق به کنترل خشم خود نشد و چند سال از بهترین دوران زندگی‌اش را در بدترین و سخت‌ترین شرایط در زندان سپری کرد.